

ارائه الگوی مطلوب پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد جامعه‌محوری پلیس

تاریخ دریافت: 1395/01/26

تاریخ پذیرش: 1395/03/30

محمدعلی عامری¹

از صفحه 65 تا 84

چکیده

زمینه و هدف: در پیشگیری انتظامی جامعه‌محور از جرم، پلیس علاوه بر بهره‌گیری از ابزارهای تعریف‌شده در نظام عدالت کیفری، از همکاری و مشارکت نهادهای اجتماعی و دولتی برای کنترل عوامل ایجادکننده جرم استفاده می‌کند. هدف پژوهش حاضر، تدوین الگوی مطلوب پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد جامعه‌محوری پلیس است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر نوع، کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل فرماندهان تهران بزرگ بوده که با استفاده از فرمول کوکران تعداد 113 نفر از آنها به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته بوده که روایی آن از روش صوری با استفاده از نظر اساتید و متخصصان موضوع تأیید شده است. برای محاسبه پایایی پرسش‌نامه از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده که مقدار آلفای کرونباخ برای تحقیق حاضر 88 درصد به‌دست آمده و تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آزمون‌های T و همبستگی پیرسون انجام شد.

یافته‌ها: به‌ترتیب مؤلفه‌های ساختاری، رویکردی و فردی و عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی در پیشگیری انتظامی جامعه‌محور مؤثر بوده، بین عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی با رویکرد جامعه‌محوری در پیشگیری انتظامی از جرم رابطه معناداری وجود داشته و فرایند پیشگیری انتظامی با رویکرد جامعه‌محوری تحت تأثیر عوامل درون و برون‌سازمانی است.

نتیجه‌گیری: ضمن اصلاح ساختار پیشگیری انتظامی باید نسبت به تقویت تعامل و مشارکت سایر نهادهای اجتماعی در امر پیشگیری اقدام کرد. در این راستا ضمن اصلاح رویکردها و ساختارهای مرتبط، نسبت به اصلاح فرآیند و وضعیت کمی و کیفی آموزش کارکنان در راستای تغییر وضعیت پلیس سنتی به جامعه‌محور اقدام شود.

واژه‌های کلیدی: پیشگیری انتظامی، رویکرد جامعه‌محوری، عوامل درون‌سازمانی، عوامل برون‌سازمانی، مؤلفه‌های فردی، رویکردی و ساختاری.

1- دانشجوی دکتری مدیریت پیشگیری از جرم و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی. m.ali.ameri.h@chmail.ir

بزه‌کاری پدیده‌ای اجتماعی - انسانی است که همه جوامع بشری از دیرباز با آن روبرو بوده‌اند. این امر، به‌خصوص در قرن حاضر و به‌دنبال تحول پدیده‌های سنتی و ظهور مؤلفه‌های جدید در زیست انسانی، روند رو به رشدی را دنبال کرده است. بدیهی است در چنین وضعیتی، صرف به‌کارگیری ابزارهای کیفری (واکنشی) در جهت مقابله و سرکوب بزه‌کاری، راه به جایی نبرده و به‌همین دلیل، نظام‌های سیاست جنایی مختلف، به بهره‌جستن از ابزارهای پیشگیری غیرکیفری (کنشی) روی آورده‌اند. کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نبوده و پدیده بزه‌کاری در آن، همچون سایر کشورها، یکی از معضله‌های مهم اجتماعی است. با این وجود، نبود مدیریت متمرکز، خلاها و ابهامات قانونی، تداخل وظایف نهادهای دولتی و فقدان راهبرد و برنامه بومی و ملی در حوزه پیشگیری از جرم، موجب اتخاذ سیاست‌ها، تدابیر، پیش‌بینی ر اهردها و اعمال اقدام‌های نامنسجم، نامتجانس و گاه متضاد در این حوزه شده است (نوروزی و دیگران، 1392).

از طرفی فعالیت‌های جاری نهادهای عمومی و خصوصی، حسب مورد، می‌تواند نقش مستقیم یا غیرمستقیم در کاهش یا افزایش عوامل ایجادکننده جرم و ناهنجاری داشته باشد. بنابراین سیاست پیشگیری از جرم زمانی می‌تواند مؤثر واقع شود که بتواند سیاست‌ها و فعالیت‌های جاری نهادهای تأثیرگذار در عوامل ایجادکننده جرم را با آموزه‌های پیشگیری از جرم هم‌سو کند. یکی از روش‌های هم‌سوسازی اقدامات جاری نهادهای دولتی و خصوصی با آموزه‌های پیشگیری از جرم، رویکرد نوینی تحت عنوان پیشگیری چند نهادی است. این رویکرد، تدابیر پیشگیرانه نهاد پلیس را وارد مرحله‌ای جدید کرده، که در آن پلیس علاوه بر بهره‌گیری از ابزارهای ترسیم شده در نظام عدالت کیفری، تلاش می‌کند که از همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و اجتماعی و شهروندان، در راستای پیشگیری از جرم استفاده کند (نوروزی و افراسیابی، 1389).

در سنوات اخیر پلیس برای کارآیی، اثربخشی و بهره‌وری خود در جامعه و توسعه آن در عرصه‌های مختلف گام‌های مؤثری را برداشته است. بی‌تردید موفقیت پلیس در گرو اقبال جامعه از پلیس است تا جایی که در انجام امور پلیسی مشارکت داشته و بر عملکرد آن نظارت کنند.

با توجه به ارزیابی‌های انجام شده از میزان کارآیی رویکردهای مختلف پیشگیری از جرم در کنترل میزان جرم و پیشگیری از آن، نیاز به استفاده از توان سایر نهادهای دخیل در امر پیشگیری احساس شد؛ بنابراین با توجه به نقش مهم و پررنگ نیروی انتظامی در بحث پیشگیری انتظامی، آشنایی با مبانی این رویکرد و ارائه الگوی مطلوب در زمینه عملیاتی نمودن رویکرد جامعه محوری به پیشگیری انتظامی از جرم ضروری و مهم به نظر می‌رسد.

بیان مسئله

یکی از مفاهیمی که در حوزه ادبیات پلیس بروز و ظهور پیدا کرده است، رویکرد جامعه محوری به پیشگیری از جرم است. این مفهوم عبارت است از اینکه پلیس برای مدیریت اداره امور پلیسی از سرمایه‌های اجتماعی و سایر منابع در ابعاد مختلف بهره بگیرد و به تغییر و تحولات توجه ویژه داشته باشد.

در سال‌های اخیر، در بسیاری از کشورهای دنیا، پلیس قدم‌های شتابانی به سوی پیشگیری از جرم برداشته است. اقدامات مداخله‌ای پلیس در زمینه پیشگیری از جرم مبتنی بر رویکردهای خاص موجود در هر سازمان پلیس است و یکی از مهم‌ترین رویکردهای عملی پلیسی رایج در زمینه پیشگیری از جرم، رویکرد جامعه محوری می‌باشد. در این رویکرد پلیس خود را به‌عنوان بخشی از جامعه دانسته و تلاش دارد با جلب همکاری سایر اقشار اجتماعی به پیشگیری از جرم بپردازد.

پلیس جامعه محور در مقابل پلیس دولت محور دارای اهدافی از قبیل پیشگیری از جرم، ارتقای سطح زندگی، تغییر رویکردهای واکنشی نسبت به جرم و کاهش ترس از آن، اتخاذ رویکردهای پیشگیرانه برای حل و فصل مشکلات و به‌طور کلی تغییر عملکرد پلیس از پلیس قدرت محور به پلیس ارائه‌کننده خدمات است.

پیشگیری انتظامی جامعه محور از جرم نیز رویکردی است که در آن پلیس علاوه بر بهره‌گیری از ابزارهای تعریف شده در نظام عدالت کیفری، از همکاری و مشارکت نهادهای اجتماعی و دولتی برای کنترل عوامل ایجادکننده جرم استفاده و در تلاش است تا از رهگذر تغییر در ساختارهای سازمانی و روش‌های اجرایی، خود را در قبال شهروندان مسئول کند تا در ادامه بتواند از مشارکت حداکثری اجتماع در کنترل عوامل

ایجادکننده جرم بهره برد. از طرفی موفقیت پلیس جامعه محور به شدت تحت تأثیر عوامل درون‌سازمانی و محیط برون‌سازمانی است. برای این‌که رکن اصلی پلیس جامعه‌گرا یعنی مشارکت مردم، هم در درون سازمان پلیس و هم در جامعه، نهادینه و عملیاتی شود، مستلزم تبیین و فراهم آمدن سازوکارها و الزامات مشارکت مردم در امور انتظامی برای پیشگیری از وقوع جرم است؛ بنابراین برای دستیابی به پلیس جامعه محوره تنها یک بازسازی سازمانی بلکه یک تحول و دگرگونی همه جانبه در شیوه تفکر و عمل مورد نیاز است.

در کشور ما نیز، هرچند نیروی انتظامی که وظیفه پیش‌گیری از وقوع و کشف جرم را به‌عهده دارد، تحت رویکرد جامعه محوری پلیس تلاش کرده تا از مشارکت مردمی در حفظ نظم و امنیت بهره‌مند شود، اما تاکنون نتوانسته از حداکثر توان موجود این رویکرد در امر پیشگیری استفاده کند. آن چه که می‌تواند این هدف را تحقق دهد، تدوین و اجرایی کردن الگوی مطلوب رویکرد موصوف در پیشگیری از جرم است.

بنابراین، سؤال پژوهش این است که الگوی مطلوب پیشگیری انتظامی از جرم با تأکید بر رویکرد جامعه محوری چگونه است؟

مبانی نظری

پیشگیری از جرم و انواع آن

پیشگیری از وقوع جرم تدابیری است که با کمک آن وسعت شدت ارتکاب جرم، چه با کاهش فرصت‌ها و موقعیت‌های ارتکاب جرم و چه با تحت تأثیر قرار دادن مجرمان بالقوه و کل جامعه به حداقل می‌رسد (زینالی، 1381). پیشگیری از جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدام‌های لازم برای از بین بردن یا کاهش آن (نوروزی و همکاران، 1392: 21).

انواع پیشگیری از جرم عبارتند از پیشگیری اولیه، ثانویه، ثالث، کوتاه‌مدت، بلند مدت، انفعالی، فعال، کیفری، غیر کیفری، قضایی، انتظامی، وضعی، اجتماعی و ... (بیات و همکاران، 1387: 50)

در مورد انواع پیشگیری، تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از منظرهای مختلف انجام گرفته است. این تقسیم‌بندی‌ها فراتر از تقسیم‌بندی‌های صرف نظری هستند و به جنبه‌های متنوع مداخلات پیشگیرانه اشاره دارند.

مطابق معیار زمان مداخله، به دو گونه کنشی (قبل از ارتکاب جرم) و واکنشی (پس از ارتکاب جرم)، بر اساس معیار سطح مداخله به سه دسته نخستین¹ (برای همه افراد)، دومین² (برای افراد آسیب‌پذیر) و سومین³ (برای افرادی که مرتکب جرم شده‌اند)، مطابق معیار قلمرو مداخله به دو دسته عمومی (با تمرکز به عوامل عمومی جرم) و اختصاصی (با تمرکز بر علل اختصاصی جرم)، بر اساس معیار سازمان مداخله‌کننده به سه گونه اجتماعی (نهادهای دولتی و غیردولتی فعال در مسائل اجتماعی)، انتظامی (نهاد پلیس) و قضایی (مراجع رسیدگی‌کننده به جرم) و مطابق نوع مداخله به کیفی⁴ (از طریق سازوکارهای نظام عدالت کیفری) و غیرکیفری⁵ (از طریق سازوکارهای خارج از نظام عدالت کیفری) دسته‌بندی می‌شود (نوروزی، 1392: 21 به نقل از عباچی، 1387).

پلیس یکی از اجزای نظام عدالت کیفری است که در پیشگیری از جرم، امکان مداخله کیفری و غیرکیفری را دارد. در مداخله کیفری، پلیس با سرعت و دقت در فرایند تعقیب و دستگیری که خود یکی از عوامل بازدارنده نسبت به ارتکاب مجدد بزه است فعالیت پیشگیرانه خود را انجام می‌دهد. جنبه بازدارنده و ارعابی مداخله کیفری پلیس از سویی بزه‌کاران را بلافاصله پس از ارتکاب جرم با نظام نیرومند تعقیب و دستگیری مواجه می‌سازد بنابراین یکی از ابعاد بازدارندگی برای تکرار جرم را فراهم می‌کند و از سوی دیگر با بالابردن احتمال دستگیری و افزایش خطر ارتکاب جرم، قصد و تمایل مجرمان احتمالی را برای ارتکاب آن بزه کاهش می‌دهد.

در پیشگیری غیرکیفری نیز پلیس از طریق مداخله و طراحی برنامه‌های پیشگیرانه از طریق نظارت بر مجرمان سابقه‌دار، گشت‌های خیابانی، نظارت بر مناطق جرم‌زا، نصب دوربین‌های مداربسته در معابر عمومی و جرم‌خیز و بسیاری دیگر از برنامه‌های

1 - Primary Prevention
2 - Secondary Prevention
3 - Tertiary Prevention
4 - Penal Prevention
5 - Non Penal Prevention

پیشگیرانه، پیش از ارتکاب جرم، آن را به کنترل خود درمی‌آورد (نوروزی و همکاران، 1392: 28). به‌طور کلی نقطه تمرکز مداخله‌های پیشگیرانه را می‌توان در یکی از سه منظر زیر قرار داد: (موقعیت جرم‌زا، بزه‌دیده، بزه‌کار) هر یک از این سه می‌توانند نقطه اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در یکی از سه سطح زیر باشد:

پیشگیری مرحله اول: پیشگیری عمومی و آگاهی بخشی جامعه نسبت به جرم

پیشگیری مرحله دوم: تمرکز بر افراد در معرض بزه

پیشگیری مرحله سوم: پیشگیری از تکرار بزه (فرجی‌ها، 1389)

بنابراین برنامه‌های پیشگیرانه در 9 سطح مختلف قابل اجرا هستند. تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که پلیس امکان مداخله در تمام سطوح را دارد؛ اما متناسب با سطح و نقطه تمرکز انتخابی، حضور پلیس نسبت به سایر نهادها، کم‌رنگ‌تر یا پررنگ‌تر می‌شود. برای مثال در پیشگیری مرحله اول، نقش آموزش پررنگ‌تر است و پلیس به‌عنوان یک بازوی اجرایی در کنار نهادهای جامعی آموزشی، نقشی مکمل ایفا می‌کند؛ حال آن که در برنامه‌های پیشگیری مرحله سوم نظیر نظارت بر مجرمان سابقه‌دار، پلیس عهده‌دار نقش اصلی است و سایر نهادها نقش مکمل دارند. به‌طور کلی می‌توان ادعا کرد هرچه از مرحله اول به‌سمت مرحله سوم پیش می‌رویم به‌تدریج نقش پلیس و برنامه‌های پیشگیرانه پلیسی پررنگ‌تر می‌شود. (نوروزی و همکاران، 1392: 29)

عوامل مؤثر بر پلیس جامعه‌محور

موفقیت پلیس جامعه‌محور به شدت تحت تأثیر عوامل درون سازمانی و محیط برون سازمانی است. برای این که رکن اصلی پلیس جامعه‌گرا یعنی مشارکت مردم، هم در درون سازمان پلیس و هم در جامعه، نهادینه و عملیاتی شود، مستلزم تبیین و فراهم آمدن سازوکارها و الزامات مشارکت مردم در امور انتظامی برای پیشگیری از وقوع جرم است. یکی از اساسی‌ترین سازوکارها و الزامات در این راستا، کیفیت کارکردهای پلیس در سطوح مدیران عالی و میانی و نیروهای خط‌مقدم، یعنی گشتی‌های پلیس است که در سرمایه اجتماعی پلیس یعنی اعتماد نمایان می‌شود؛ بنابراین اگر اعتماد مردم به پلیس افزایش و توسعه یابد، اقبال و مشارکت هدفمند مردم در امور انتظامی جامعه نیز رنگ دیگری خواهد گرفت (قهرمانی، 1390: 8).

عوامل مؤثر بر پلیس جامعه محور را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد.

1- عوامل درون سازمانی شامل: منابع انسانی، ساختار سازمانی، فناوری اطلاعات، حرفه‌ای بودن پلیس، سبک رهبری و مدیریت، توانمندی‌های رهبری و مدیریت، فرهنگ سازمانی

2- عوامل برون سازمانی شامل: انتظارات مردم از پلیس، انتظارات حاکمیت، مشارکت اجتماعی، نظارت همگانی (قهرمانی و ابطحی، 1389)

عناصر تشکیل‌دهنده نظام پلیس جامعه‌محور

منظور از نظام اجزای به هم پیوسته و مرتبط به هم است که به نحوی تنظیم شده‌اند که یک کل مجزا از تک تک اجزا را به وجود می‌آورند. به طور معمول، نظام‌ها را به نظام‌های باز و بسته طبقه‌بندی می‌کنند. نظام‌های بسته با محیط خود رابطه ندارند، ولی نظام‌های باز به طور مداوم با محیط خود در ارتباط هستند (رابینز، 1392: 30). نظام مورد نظر ما در پژوهش نظام باز است. همه نظام‌ها دارای سه عنصر نهاده (ورودی)، فرایند تبدیل و ستاده (خروجی) هستند (رابینز، 1392: 33). ورودی‌ها، منابعی هستند که از محیط وارد نظام شده و محرک آن می‌باشند و نیازهای عملیاتی آن را برطرف می‌کنند. میان‌داد به نوع خاصی از حرکت گفته می‌شود که گام به گام انجام می‌شود و هر گام به خروجی تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، ورودی‌های ما در میان‌داد، با تغییراتی که بر روی آنها انجام می‌گیرد، به خروجی مورد نظر تبدیل می‌شوند. در نظام مورد نظر، میان‌داد توسط مؤلفه‌های آموزشی خاصی به خروجی مطلوب تغییر شکل می‌یابد. در واقع در این مرحله، سازمان به هدف از پیش تعیین شده خود می‌رسد. یکی از ویژگی‌های آشکار یک نظام باز، آگاهی آن از روابط بین خود و محیط است. مرزی وجود دارد که نظام را از محیط خود جدا می‌کند. نظام‌ها به طور مداوم از محیط خود اطلاعات دریافت می‌کنند، این دریافت اطلاعات، نظام را در جهت انطباق خود با شرایط کمک کرده و آنها را در پیگیری اقدامات اصلاحی انحرافات حاصله از جریان از پیش تعیین شده، یاری می‌دهد. این فرایند دریافت اطلاعات محیطی را بازخور می‌نامیم (قصری و همکاران، 1392). ورودی‌های نظام پلیس جامعه محور با تأکید بر پیش‌گیری از وقوع جرم شامل مؤلفه‌های ساختاری (ترویانوویچ و همکاران، 1383: 30 و 31)،

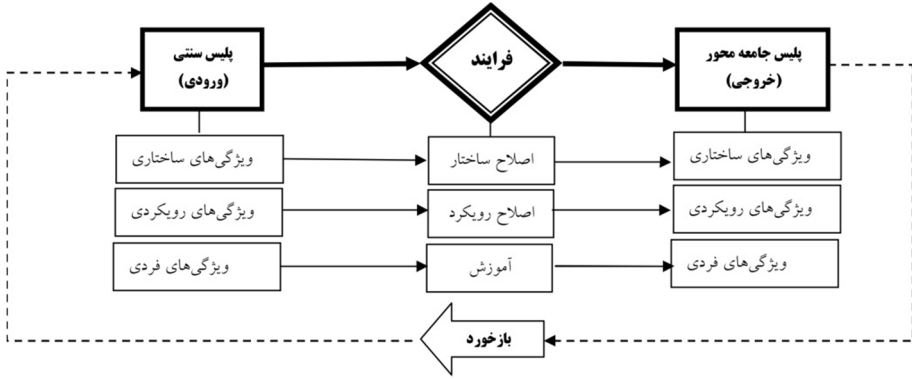
رویکردی (کارن و لیندا، 1382: 47) و فردی (مجیدی، 1385: 162 تا 167) است. (قصری و همکاران، 1392)

- مؤلفه‌های ساختاری به سلسله مراتب مختلف یا سطوح متفاوت در یک نظام اطلاق می‌شود. در این تحقیق منظور از ویژگی‌های ساختاری عبارت از؛ تمرکز، سلسله مراتب، تفویض اختیار، وحدت در فرماندهی، خودکفایی در مأموریت، تقسیم کار مشخص، وحدت هدف سازمان، ملموس بودن وظایف پیش گیرانه، غلبه صف بر ستاد و هماهنگی با سایر سازمان‌ها است. (ترویانیچ و همکاران، 1383: 30 و 31)

- مؤلفه‌های رویکردی به تصمیم‌گیری در مورد چگونگی ارائه یک راه‌حل، برای رسیدن به هدفی خاص گفته می‌شود. مهم‌ترین رویکردهای پلیسی شامل رویکرد سیاسی، رویکرد حرفه‌ای و رویکرد جامعه محوری است (لیپست، 1382: 446). در پژوهش حاضر از بین رویکردهای مورد نظر، رویکرد پلیس جامعه محور انتخاب شده است.

- منظور از مؤلفه‌های فردی، ویژگی‌هایی است که باید یک فرد برای ورود به نظامی خاص، حائز آنها باشد. در این تحقیق منظور از ویژگی‌های فردی عبارت است از؛ ایجاد کننده فرصت مشارکت، آموزش‌دهنده، ظاهر آراسته و قدرت بیان، قدرت تصمیم‌گیری، تعهد، مثبت اندیشی، تحمل شکست، مستقل اندیش و خود کنترل، دارای قدرت حل مسئله و معتمد بودن، دارای انگیزه، اخلاق و رفتار اسلامی، تیزفهمی و هوش، برنامه‌ریز و پیش‌بینی‌کننده آینده، پشتکار قوی، اصالت خانوادگی و سابقه مفید خدمتی، سلامت جسمی و روانی، وسعت نظر، فرصت‌شناسی، قاطعیت در کار، اعتماد به نفس و چالش‌طلبی است. (قصری و همکاران، 1392: 44)

خروجی فرایند نیز شامل مؤلفه‌های فردی، ساختاری و رویکردی است. گفتنی است که شاخص‌های هر یک از مؤلفه‌های حاضر در خروجی، با توجه به نتایج حاصل از تحقیق و پس از فعالیت‌های انجام شده در میان داد به دست می‌آید (قصری و همکاران، 1392: 44).



نمودار شماره (1): نظام پلیس جامعه محور به تفکیک اجزا (قصری و همکاران، 1392: 45)

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان خصوصیات مدیریتی، ساختاری و رویکردی پلیس سنتی و جامعه محور را به شرح زیر دسته‌بندی و ارائه کرد:

جدول شماره (1): مقایسه خصوصیات مدیریتی، ساختاری و رویکردی پلیس سنتی و جامعه‌محور (محمد نسل، 1387: 144)

| پلیس سنتی | پلیس جامعه‌محور |
|--------------------------|---|
| مدیریت | راهبردی، تکیه بر اثربخشی |
| ساختار | راهمردی، تکیه بر اثربخشی |
| فرهنگ | منعطف و غیرمتمرکز |
| نوع آموزش | محدودیت در قابلیت پاسخگویی، خودمختاری و مسئولیت پلیس |
| معیار کارآمدی و اثر بخشی | تقویت ارتباطات، باز بودن پلیس به روی مردم و مشاوره با جامعه |
| | تمرکز بر ایجاد تعادل بین اعمال قانون، پیشگیری، انسجام و اثربخشی |
| | تمرکز بر آمادگی جسمانی و تکنیک‌های دفاعی |
| | مبتنی بر مداخله سریع، آمار |
| | دستگیری‌ها و شمار تعقیب‌های قضایی |

پیشینه پژوهش

نجفی توانا و همکاران (1392) در پژوهشی با عنوان «نقش پیشگیری اجتماعی با رویکرد چند نهادی، پیشگیری از سرقت خودرو در تهران بزرگ» ضمن تبیین اهمیت سرقت خودرو، نسبت به بررسی تدابیر پیشگیری اجتماعی برای کاهش یا مهار این معضل چالش برانگیز اقدام و پس از گردآوری و تجزیه و تحلیل نتایج، مشخص شد که این تدابیر با درصد بالایی در پیشگیری از سرقت خودرو مؤثر است.

جزینی و نوری‌نژاد (1393) در پژوهشی با عنوان «تأثیر رویکرد محله محوری در برقراری امنیت عمومی (مورد مطالعه: فرماندهی انتظامی تهران بزرگ)» با هدف بررسی تأثیر رویکرد محله محوری در برقراری امنیت عمومی، نسبت به تبیین اهمیت امنیت در جامعه بشری و رویکرد محله محوری در برقراری امنیت از سوی نیروی انتظامی اقدام و پس از تحلیل داده‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که وضعیت موجود در مؤلفه سازماندهی محلی، بیش‌ترین و کم‌ترین شکاف به ترتیب مربوط به کنترل با دوربین و مساجد بوده است، اما در مؤلفه هویت محله، بیش‌ترین و کم‌ترین شکاف به ترتیب مربوط به وابستگی و تعهد ساکنان است و در نهایت در مؤلفه بافت محله، بیش‌ترین و کم‌ترین شکاف به ترتیب مربوط به بافت محله و تراکم مسکونی بوده است. ارزیابی پاسخ‌دهندگان از وضعیت موجود هر سه شاخص بافت محله نامطلوب بوده است و رضایت نسبی از این مؤلفه وجود ندارد. در نتیجه، اتخاذ رویکرد محله محوری در برقراری امنیت در تهران بزرگ تأثیر دارد.

قهرمانی و ابطحی (1389) در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی مدیریت پلیس جامعه محور در جمهوری اسلامی ایران» به بررسی شناخت عوامل مؤثر بر رویکرد مدیریت پلیس جامعه محور در جمهوری اسلامی ایران به منظور طراحی الگوی بومی این رویکرد پرداخته، در این پژوهش عوامل و متغیرهای درون سازمانی و برون سازمانی نظیر «منابع انسانی، ساختار سازمانی، فناوری اطلاعات، حرفه‌ای بودن پلیس، سبک رهبری، توانمندی‌های رهبری، فرهنگ سازمانی، انتظارات مردم از پلیس، انتظارات حاکمیت از پلیس، مشارکت اجتماعی، نظارت همگانی، مسأله محوری پلیس، اعتماد عمومی، قانون محوری پلیس و اقتدار پلیس» به عنوان عوامل تأثیرگذار بر رویکرد پلیس جامعه محور در ایران تعیین شده و نتایج پژوهش نشان داده که کلیه عوامل و متغیرهای پیش‌بینی شده در تحقیق با رویکرد پلیس جامعه محور ارتباط معناداری داشته و بر آن نیز تأثیرگذار بوده است و الگوی پردازش یافته‌ها پژوهش نشان داده که عوامل برون سازمانی با رویکرد پلیس جامعه محور و عوامل درون سازمانی ارتباط مستقیم داشته و عوامل درون سازمانی با رویکرد پلیس جامعه محور رابطه معکوس را نشان می‌دهد.

نوروزی و افراسیابی (1389) در پژوهشی با عنوان «رویکرد جامعه‌محور به پیشگیری از جرم در پلیس ایران» ابتدا تحولات نقش پلیس، از رویکرد سنتی تا جامعه

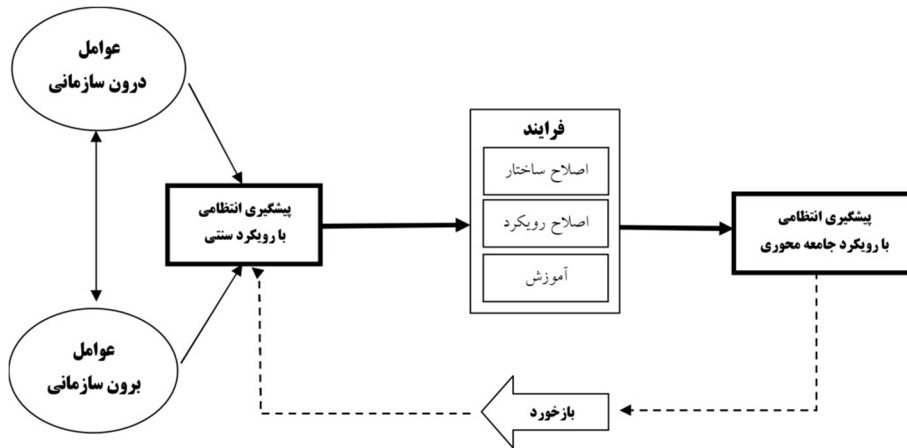
محور را تبیین و در ادامه برای اجرایی کردن این رویکرد در تدابیر پیشگیرانه پلیس ایران با بهره‌گیری از روش‌های متداول در پیشگیری از جرم، برای آن فرآیند اجرایی ترسیم و راهکارهای اجرای این فرآیند در پلیس ایران را در دو بعد راه‌کارهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تبیین کرده‌اند.

قصری، بازرگان و نوروزی (1392) در پژوهشی با عنوان «طراحی نظام پلیس جامعه محور با تأکید بر پیشگیری از جرم» در پی تبیین نظام مناسب پلیس جامعه‌محور پیشگیری از جرم برای نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (پلیس پیشگیری) بوده، و برای ارائه نظام مناسب با استفاده از تفکر سیستمی، ویژگی‌های نیروی انتظامی، ج.ا.ا به‌عنوان ورودی سامانه و ویژگی‌های پلیس جامعه‌محور پیشگیری‌کننده از جرم، به‌عنوان خروجی سامانه در نظر گرفته شده و فرایند دگرگونی پلیس فعلی به پلیس جامعه محور، با در نظر داشتن تأثیر محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش با توجه به اهداف آن از نظر نوع پژوهش، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی بوده، ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته بوده و جامعه آماری آن را فرماندهان و مدیران عالی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و همکاران علمی پلیس پیشگیری تشکیل داده و نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داده که در نظام پیشنهادی مؤلفه‌های ساختاری، رویکردی، فردی و آموزشی پلیس فعلی با تغییر نگرش به پلیس جامعه محور پیشگیری از جرم ارتقاء یافته و در نظام پیشنهادی، گستره محیط امنیتی، به ترتیب درجه اهمیت در ارتباط دوسویه با محیط‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بوده است.

مدل مفهومی پژوهش

در این پژوهش از بین انواع پیشگیری از جرم، پیشگیری انتظامی انتخاب و با عنایت به اثرگذاری مطلوب پلیس جامعه‌محور در انواع پیشگیری از جرم، رویکرد جامعه‌محوری نیز به‌عنوان رویکرد اساسی در این نوع از پیشگیری مدنظر واقع و پس از بررسی سوابق، منابع و با استفاده از تئوری سامانه‌ها (رابینز، 1392: 33)، مقایسه شاخص‌های پلیس جامعه محور و پلیس سنتی (کارن و لیندا، 1387: 47)، عوامل مؤثر بر مدیریت پلیس

جامعه محور (قهرمانی و ابطحی، 1389: 68)، مؤلفه‌های مؤثر بر پلیس جامعه‌محور (قصری و همکاران، 1392: 45) و پیشگیری انتظامی از جرم (نوروزی و همکاران، 1392: 28)، مقایسه پلیس سنتی و جامعه‌محور (محمد نسل، 1387: 9 و 144) چارچوب نظری پژوهش به شرح زیر تدوین و طراحی شده.



نمودار شماره (2): مدل مفهومی (چارچوب نظری) پژوهش

فرضیه‌های تحقیق، بر مبنای مدل و الگوی طراحی شده تدوین و به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه اول: بین مؤلفه‌های ساختاری و پیشگیری انتظامی از جرم مبتنی بر رویکرد جامعه‌محوری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین مؤلفه‌های رویکردی و پیشگیری انتظامی از جرم مبتنی بر رویکرد جامعه محوری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین مؤلفه‌های فردی و پیشگیری انتظامی از جرم مبتنی بر رویکرد جامعه محوری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین عوامل درون سازمانی و پیشگیری انتظامی از جرم مبتنی بر رویکرد جامعه محوری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین عوامل برون سازمانی و پیشگیری انتظامی از جرم مبتنی بر رویکرد جامعه محوری رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به اهداف آن از نظر نوع پژوهش‌ها، کاربردی و نظر گردآوری داده‌ها، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل فرماندها، روسا و مدیران صفی و ستادی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ بوده، که با استفاده از فرمول کوکران تعداد 113 نفر از آنها به‌عنوان نمونه آماری و به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق ساخته بوده که بر اساس ادبیات نظری مرتبط، الگو و مدل مفهومی به شرح جدول زیر تهیه، روایی آن از روش صوری با استفاده از نظر اساتید و کارشناسان و متخصصان مرتبط با موضوع تأیید شد. همچنین برای محاسبه پایایی پرسش‌نامه از روش محاسبه آلفای کرونباخ¹ استفاده که مقدار آلفای کرونباخ برای تحقیق حاضر 88 درصد به‌دست آمد که حاکی از قابل قبول بودن پایایی پرسش‌نامه بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آزمون تی² یک‌طرفه و آزمون همبستگی پیرسون با استفاده از نرم‌افزار اس پی اس اس³ انجام شده.

جدول شماره (2): تحلیل پرسش‌نامه پژوهش

| ردیف | مؤلفه | شاخص‌ها | منابع |
|------|--|---------|-------|
| 1 | عوامل درون منابع انسانی، ساختار سازمانی، فناوری اطلاعات، حرفه‌ای بودن پلیس، (رابینز، 1379: سازمانی سبک رهبری و مدیریت، توانمندی‌های رهبری و مدیریت، فرهنگ سازمانی (33) | | |
| 2 | عوامل برون انتظارات مردم از پلیس، انتظارات حاکمیت، مشارکت اجتماعی، نظارت (کارن و لیندا، سازمانی همگانی (47: 1387) | | |
| 3 | تمرکز، سلسله مراتب، تفویض اختیار، وحدت در فرماندهی، (قهرمانی و مؤلفه‌های خودکفایی در مأموریت، تقسیم کار مشخص، وحدت هدف ابطحی، 1389: ساختاری سازمان، ملموس بودن وظایف پیش‌گیرانه، غلبه صف بر ستاد و (68) هماهنگی با سایر سازمان‌ها (قصوری و | | |
| 4 | رویکردهای کاهش بازار جرم، مدیریت خطر جرم، پنجره‌های شکسته، همکاران، 1392: انعطاف صفر، اهرم‌های خمیده، جلب مشارکت نهادهای عمومی، پلیس (45) مؤلفه‌های نقاط پر جرم، پلیس مبتنی بر مدرک، پلیس مبتنی بر فناوری، پلیس (نوروزی و رویکردی اطمینان بخش، پلیس مبتنی بر اطلاعات، چندنهادی و پلیس همکاران، 1392: جامعه‌محور (28) | | |

1 - Cronbach's Alpha

2- T

3- SPSS

| ردیف | مؤلفه | شاخص‌ها | منابع |
|------|-----------------|--|---------------------------|
| 5 | مؤلفه‌های فردی | ایجادکننده فرصت مشارکت، آموزش‌دهنده، ظاهر آراسته و قدرت بیان، قدرت تصمیم‌گیری، تعهد، مثبت‌اندیشی، تحمل شکست، مستقل (محمد نسل، اندیش و خود کنترل، دارای قدرت حل مسئله و معتمد بودن، دارای انگیزه، اخلاق و رفتار اسلامی، تیزفهمی و هوش، برنامه‌ریز و پیش‌بینی‌کننده آینده، پشتکار قوی، اصالت خانوادگی و سابقه مفید خدمتی، سلامت جسمی و روانی، وسعت نظر، فرصت‌شناسی، قاطعیت در کار، اعتماد به نفس و چالش طلبی | (محمد نسل، 1387: 9 و 144) |
| 6 | پلیس جامعه محور | اقتدار، اعتماد عمومی، قانون محوری، مسئله محوری | |

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش شامل نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش به اختصار در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره (3): نتایج اجرای فرضیه‌ها

| فرضیه | تعداد | ضریب پیرسون | مقدار t | سطح معنادار | میانگین رتبه‌ای |
|--|-------|-------------|---------|-------------|-----------------|
| بین مؤلفه‌های ساختاری و پیشگیری انتظامی مبتنی بر رویکرد جامعه‌محوری رابطه معناداری وجود دارد. | 113 | 0/91 | 31/59 | 0/000 | 2/75 |
| بین مؤلفه‌های رویکردی و پیشگیری انتظامی مبتنی بر رویکرد جامعه‌محوری رابطه معناداری وجود دارد. | 113 | 0/89 | 28/76 | 0/000 | 2/32 |
| بین مؤلفه‌های فردی و پیشگیری انتظامی مبتنی بر رویکرد جامعه‌محوری رابطه معناداری وجود دارد. | 113 | 0/87 | 24/89 | 0/000 | 2/23 |
| بین عوامل درون‌سازمانی و پیشگیری انتظامی مبتنی بر رویکرد جامعه‌محوری رابطه معناداری وجود دارد. | 113 | 0/83 | 36/37 | 0/000 | 2/66 |
| بین عوامل برون‌سازمانی و پیشگیری انتظامی مبتنی بر رویکرد جامعه‌محوری رابطه معناداری وجود دارد. | 113 | 0/81 | 26/39 | 0/000 | 2/59 |

با توجه به یافته‌های فوق می‌توان گفت:

1- بین هر سه مؤلفه ساختاری، رویکردی و فردی با جامعه محوری در پیشگیری انتظامی از جرم رابطه معناداری وجود دارد.

79

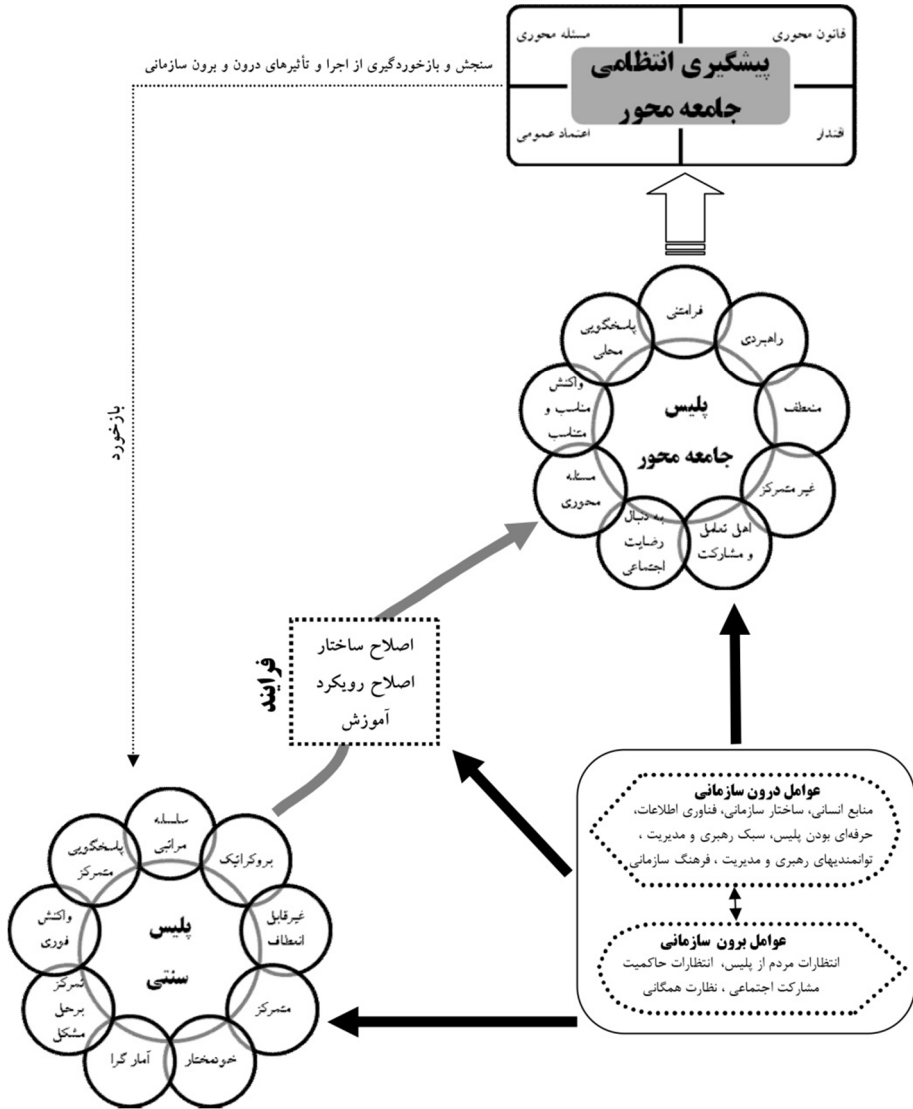
2- بر اساس میانگین رتبه‌ای، مؤلفه‌های ساختاری بیش‌ترین و مؤلفه‌های فردی کم‌ترین تأثیر را در جامعه‌محور نمودن پلیس دارند.

3- بین عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی با رویکرد جامعه‌محوری در پیشگیری انتظامی از جرم رابطه معناداری وجود داشته و فرایند پیشگیری انتظامی با رویکرد جامعه محوری تحت تأثیر عوامل درون و برون سازمانی است.

4- بر اساس میانگین رتبه‌ای، عوامل درون‌سازمانی بیش‌ترین تأثیر را در جامعه محوری پلیس دارا هستند.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، الگوی مطلوب پیشگیری انتظامی از جرم با رویکرد جامعه محوری پلیس به شرح زیر ارائه می‌شود:



نمودار شماره (3): (الگوی پیشنهادی پیشگیری انتظامی با رویکرد جامعه محوری پلیس)

پیشنهادها

مبتنی بر یافته‌های پژوهش و الگوی ارائه شده موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- مهندسی مجدد و اصلاح ساختار سازمانی پلیس پیشگیری ناجا مبتنی بر مؤلفه‌های عدم تمرکز، مدیریت فرامتنی (کاهش سلسله مراتب و تفویض اختیار)، انعطاف پذیری، دارای تعامل و مشارکت با سایر نهادها؛
- ساماندهی کیفی و کمی ایستگاه‌های ثابت پلیس در سطح شهرها با تقویت جنبه‌های دریافت اطلاعات و حضور پیشگیرانه در صحنه و حفظ صحنه جرم؛
- ساماندهی و نظارت بر وضعیت نگهبانان شاغل و به‌کارگیری شده در مجتمع‌های مسکونی، مراکز تجاری، سازمان‌ها و شرکت‌های خدماتی در محله‌ها و توجیه آنان نسبت به وظایف امنیتی و حفاظتی و ویژگی‌های محله مورد استفاده؛
- آموزش و فرهنگ سازی در خصوص نهادینه کردن وظایف پلیس جامعه‌محور پیشگیری کننده از جرم برای آحاد مردم و کارکنان پلیس؛
- جذب و به‌کارگیری کارکنان دارای روابط عمومی مطلوب، قدرت مشارکت، تعامل اجتماعی، معتمد، دارای قدرت حل مسئله، دارای انگیزه، قدرت بیان، اخلاق و رفتار اسلامی، خود کنترل، متعهد و برنامه‌ریز؛
- بستر سازی لازم برای حضور بخش خصوصی در حوزه پیشگیری از جرم مانند پلیس افتخاری، نگهبان محله، پارکبان‌ها و

- بیات، بهرام؛ شرافتی‌پور، جعفر؛ عبدی، نرگس (1387). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- ترویانوویچ، رابرت؛ باکوروکس، بانی (1383). پلیس جامعه محور. گروه مترجمان، مرکز تحقیقات کاربردیطرح و برنامه و بودجه ناجا، تهران: نشر فرات.
- جزینی، علیرضا؛ نوری نژاد، محمدعلی (1393). تأثیر رویکرد محله محوری در برقراری امنیت عمومی (مورد مطالعه: فرماندهی انتظامی تهران بزرگ)، فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره 6، شماره 4، ص 87-110.
- رابینز، استیفن (1392). تئوری سازمان / ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانائی فرد، تهران: نشر صفار.
- زینالی، حمزه (1381). پیشگیری از بزه‌کاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ششم.
- عباچی، مریم (1387). مبانی و مقدمات تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم در ایران. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره نهم، تهران: پلیس پیشگیری ناجا.
- عباچی، مریم (1388). پیشگیری از بزه‌دیدگی مکرر کودکان با تأکید بر نقش پلیس، پیشگیری از تکرار جرم و تکرار بزه‌دیدگی، مجموعه مقالات ارائه شده در نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، تهران: معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- فرجی‌ها، محمد (1389). طرح تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- کارن، ام‌هس؛ لیندا، اس‌میلر (1387). پلیس در اجتماع. ترجمه محمدرضا کلهر، تهران: معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- لیپست، سیمو مارتین (1382). دایره‌المعارف دموکراسی. ترجمه کامران خانی و نوراله مردانی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مجیدی، عبدالله (1385). ویژگی‌های سازمانی پلیس جامعه محور، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال اول، شماره اول، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا.
- محمدنسل، غلامرضا (1387). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

- نجفی توانا، علی؛ رفیعی، حسن رضا؛ رفیعی، هادی (1392). نقش پیشگیری اجتماعی با رویکرد چند نهادی، پیشگیری از سرقت خودرو در تهران بزرگ. فصلنامه انتظام اجتماعی، دوره 5، شماره 1، ص 105-118.
- نوروزی، بهرام؛ بارانی، محمد؛ سرکشکیان، سیدمحمدحسین (1392). پیشگیری از جرم (از نظریه تا عمل با تأکید بر نقش پلیس). تهران: انتشارات معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- نوروزی، بهرام؛ افراسیابی، علی (1389). رویکرد جامعه محور به پیشگیری از جرم در پلیس ایران. تهران: فصلنامه مطالعات پیشگیر از جرم دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، سال پنجم، شماره چهاردهم.
- قصری، محمد؛ بازرگان، محمد؛ نوروزی، بهرام (1392). طراح نظام پلیس جامعه‌محور با تأکید بر پیشگیری از جرم. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ششم، شماره دوم، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- قهرمانی، علی اکبر؛ ابطحی، سیدحسین (1389). طراحی الگوی مدیریت پلیس جامعه‌محور در جمهوری اسلامی ایران. تهران، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا، سال پنجم، شماره اول.
- قهرمانی، علی اکبر (1390). پلیس جامعه‌محور؛ نقش مشارکت مردم در پیشگیری از جرم، تهران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، سال ششم، شماره هجدهم.

